

## خودکنترلی در نظام کنترل و نظارت اسلامی (با نگاهی بر جایگاه خودکنترلی در نظریه‌های مدیریت)

سید علی سجادی\*

**چکیده:** کنترل و نظارت همواره جزء اصول و وظایف اساسی مدیریت بوده است که ارتباط تنگاتنگ با سایر اصول و وظایف مدیریت دارد به طوری که ناکامی در آن برابر با ناکامی در مدیریت می‌باشد و از طرف دیگر سیستم اداره جامعه (بیک سازمان) شامل اجزاء مختلفی می‌باشد که موفقیت آن بستگی به هماهنگی این اجزاء از جمله نظام کنترل و نظارت می‌باشد لذا در یک جامعه اسلامی که می‌خواهد بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی و در جهت تحقق اهداف اسلامی پایه‌گذاری شود باید نظام‌های کنترلی آن نیز با این ارزش‌ها و اهداف هماهنگی داشته باشد و در این چارچوب اعتقادی و ارزشی طراحی شود. از این رو این تحقیق تلاشی است در جهت بیان نظام ارزشی و راهکارهای مورد نظر اسلام در زمینه تحقق خودکنترلی بعنوان بخشی از نظام کنترل که اهمیت ویژه‌ای در نظریه‌های مدیریت یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** کنترل - نظارت - خویشتن‌داری - مدیریت (اسلام).

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام

فصلنامه اندیشه صادق، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام

شماره ۲۳ (تابستان ۱۳۸۵)

## مقدمه

یکی از وظایف اساسی مدیریت، نظارت و کنترل است که بدون آن تحقق اهداف مدیریت امکان‌پذیر نخواهد بود. اصول اساسی و فرآیند و روش‌های کنترل و نظارت در متون رایج مدیریت بیان شده است. اما محتوای این فرآیند بیش از هر چیزی تحت تأثیر نگرش حاکم بر اصول مدیریت و ارزش‌های رایج در محیط است. دین مبین اسلام با بیان نگرش خاص خود نسبت به مبادی موضوعه در تئوری‌های مدیریت و سازمان و با ارزش‌های اصیل خود که مبتنی بر فطرت انسان است؛ بیشترین تأثیر را در محتوای این فرآیند (کنترل و نظارت) دارد. بعلاوه با توجه به شمول احکام اسلامی در مرحله اجتماع و تشکیل حکومت اسلامی توسط رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) که سیره عملی ایشان مبتنی بر اسلام و انعکاس اعتقادات و ارزش‌های اسلام در صحنه مدیریت جامعه است، در مرحله فرآیندها نیز یک نظام کاربردی ارائه می‌دهد که می‌تواند چراغ راه بشریت در زمینه مدیریت جوامع (از یک سازمان کوچک تا سازمان حکومتی) گردد.

این مقاله حاصل تحقیق در جهت دستیابی به ارزش‌های اسلامی در زمینه خودکنترلی (به عنوان یکی از ابعاد مهم کنترل که در نظریه‌های جدید مدیریتی نیز اهمیت ویژه‌ای یافته است) و کشف راهکارهای ارائه شده در دین اسلام در این زمینه با استفاده از منابع اسلامی (قرآن و سنت) و با تأکید بر دوران حکومت حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد.

## ۱- خودکنترلی در سیر نظریه‌های مدیریت

در خصوص کنترل و نظارت در متون مدیریت تعاریف متنوعی با اختلاف‌های جزئی ارائه شده است که همگی در بیان یک واقعیت اجماع دارند. برخی در بیان کاربردی مفهوم کنترل در دانش مدیریت بیان داشته‌اند:

«کنترل فعالیتی است که ضمن آن عملیات پیش‌بینی شده با عملیات انجام شده مقایسه می‌شوند و در صورت وجود اختلاف و انحراف بین آنچه "باید" باشد و آنچه "هست"، نسبت به رفع و اصلاح آنها اقدام می‌شود» (صادقپور، ۱۳۵۳، ص ۱۵۹).

و در تعاریف دیگری جریان و فرآیند کنترل نیز ارائه شده است. براساس این تعاریف: «کنترل عبارت است از فعالیتی منظم که ضمن آن نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای انجام عملیات تعیین می‌شوند، سیستم دریافت اطلاعات طراحی می‌گردد، عملیات پیش‌بینی شده و انجام شده با هم مقایسه می‌گردند، اختلاف‌ها و انحراف‌ها مشاهده شده ارزیابی و میزان اهمیت آنها مشخص می‌شوند، و سرانجام اصلاحات لازم برای تحقق هدف‌ها و مأموریت‌های سازمان انجام می‌گیرند» (الوانی، ۱۳۷۹، ص ۸۸).

بنابراین هرگاه عامل کنترل‌کننده از خارج به داخل انسان منتقل گردد به‌طوری‌که شخص با اختیار و آگاهی به ارزیابی و اصلاح عملکرد خود در قالب استانداردهای مشخص و در جهت اهداف مطلوب بپردازد، خودکنترلی تحقق یافته است. مفهوم و کاربرد کنترل و نظارت سابقه‌ای به قدمت مدیریت دارد به‌طوری‌که هرگاه از وظایف مدیریت صحبت شده است کنترل بعنوان یکی از مهمترین وظایف مدیریت که ضامن اعمال مدیریت اثربخش و کارآ و تحقق دیگر وظایف و اهداف مدیریت است، مطرح شده است. ضرورت و جایگاه کنترل در نزد اندیشمندان مدیریت قابل تردید نبوده است لکن موضوع اصلی نحوه اعمال کنترل اثربخش و کارآ می‌باشد زیرا اعمال کنترل نامناسب نه تنها به دستیابی به اهداف کمکی نمی‌کند بلکه خود هزینه‌ها و پیامدهای منفی بسیاری را در کارکنان و سازمان به جا می‌گذارد که این مشکلات بطور مفصل بخصوص در کنترل‌های مستقیم و از جانب مافوق بر کارکنان مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است. در این شرایط است که موضوع خودکنترلی بعنوان نوعی کنترل که بدون هزینه‌ها و مشکلات دیگرکنترلی می‌تواند بیشترین

اثر بخشی و کارایی را داشته باشد بتدریج در نظریه‌های مدیریت و با رشد و توسعه این دانش مطرح شد که ما بطور خلاصه به سیر تحولات این موضوع در نظریه‌های مدیریت می‌پردازیم.

بطور کلی تئوری‌های مربوط به مکتب کلاسیک (تئوری‌های مدیریت علمی - تئوری اداری - تئوری بوروکراسی) بر مفروضاتی استوارند که عبارتند از: سازمان رسمی - اصول عام و ثابت - انسان اقتصادی - تأکید بر کارایی.

در بخش کنترل و نظارت می‌توان گفت که کنترل مورد نظر در تئوری‌های کلاسیک مدیریت عبارت از دیگرکنترلی و کنترل مدیران و سرپرستان بر کارکنان و از موضوع خودکنترلی بطور کلی غفلت شده است.

تئوری نئوکلاسیک مدافع سرسخت حیثیت و شئون شخصیت وجودی انسان بود و برهان‌ها و استدلال‌های این تئوری بر آن بود که نه فقط بایستی انسان را بعنوان یک ماشین و یا آلات و ابزار کار مورد استفاده قرار داد بلکه بایستی توجه کافی به روح و روان او داشت تا بتوان از این راه علاوه بر نیازهای مادی، احتیاج‌های معنوی و عاطفی او را نیز اقماع کرد و انگیزش بیشتر و پایدارتر به نیازهای اجتماعی بستگی دارد نه نیازهای اقتصادی. بدین ترتیب اصل مبتنی بر انسان اجتماعی می‌بایستی اصل مبتنی بر انسان منطقی را تکمیل کند.

تأثیر تفکر نئوکلاسیک را بر روش‌های کنترل می‌توان در توجه به نقش گروه و هنجارهای گروهی در کنترل افراد، توجه به رضایت شغلی و غنی‌سازی شغل و نیازهای احترام و خودیابی و تأثیر آن در ایجاد خودکنترلی، حرکت از کنترل‌های مستقیم و شدید به کنترل‌های منعطف و بر مبنای هدف و نتیجه مشاهده نمود.

با رشد و تکامل تئوری‌های مدیریت، موضوع خودکنترلی جایگاه و اهمیت ویژه‌ای یافت به طوری که (به عنوان نمونه) در تئوری مدیریت بر مبنای هدف<sup>۱</sup> کنترل عملاً عبارتست از خودکنترلی. این مطلب ناشی از مشارکت فعال کارکنان و مدیران هر

قسمت در تعیین اهداف واحد خود و پذیرش مسئولیت لازم برای رسیدن به این هدف، می‌باشد (ایران نژاد پاریزی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳).

بطور کلی هریک از تئوری‌ها بخصوص نظریه‌های رفتاری مدیریت در موضوع‌های رهبری، انگیزش و فرهنگ سازمانی نگرش خاص خود را به کنترل و نظارت انسان دارد و نوع خاصی از نظام‌های کنترل و نظارت را می‌پذیرد بخصوص اینکه هر یک از این نظریه‌های حاوی نظام ارزشی و فکری خاصی در مورد انسان و مسائل مربوط به آن است. در حقیقت مهمترین تأثیری هم که اسلام بعنوان یک دین بر روی دانش مدیریت و نظریه‌های کنترل و نظارت (بعنوان یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی که ارتباط و تأثیر مستقیم بر نحوه زندگی انسان و جامعه انسانی دارد) می‌تواند داشته باشد از جانب همین نظام ارزشی و مبانی فکری مطروحه در این نظریه‌ها است.

با این مرور خلاصه در نظریه‌های مدیریت به بررسی موضوع خودکنترلی در منابع اسلامی از دو بعد "اعتقادات و ارزش‌های اسلامی در زمینه خودکنترلی" و "تمهیدات عملی در زمینه تحقق خودکنترلی" می‌پردازیم.

## ۲- خودکنترلی در منابع اسلامی

### ۲-۱- اعتقادات و ارزش‌های اسلامی در زمینه خودکنترلی

#### ۲-۱-۱- نظارت الهی

نظام اعتقادی اسلام در عالیترین سطح به بیان نظارت الهی می‌پردازد که دارای ویژگی‌های منحصر به فردی می‌باشد و بدون آنکه محدودیت‌های نظارت‌های دیگران را داشته باشد، امتیازهای خاص خود را دارد:

الف) این نظارت تمامی اعمال و ابعاد زندگی انسان را شامل می‌شود.<sup>۲</sup>

ب) این نظارت توسط خداوند که خالق انسان و بر همه چیز تواناست، صورت می‌گیرد.<sup>۳</sup>

پ) این نظارت توسط کمال مطلق است که بر بندگان خود رؤف و مهربان‌ترین است. بر بندگان ذره‌ای ظلم نمی‌کند، خوبی‌ها را به چندین برابر پاداش می‌دهد و عذاب بدی‌ها در حقیقت چیزی جز خود این اعمال بد نیستند.<sup>۴</sup>

### ۲-۱-۲- جهان آخرت و معاد

در نظام اعتقادی اسلام، هستی محدود به این جهان مادی نمی‌شود که با مرگ انسان پایان پذیرد بلکه این جهان تنها جزء کوچکی از هستی می‌باشد و جسم انسان نیز جزئی از وجود او را تشکیل می‌دهد و پس از مرگ زندگی انسان در مراتب بالاتری از حیات ادامه پیدا می‌کند. بنابراین نیستی برای انسان معنا ندارد. زندگی در این جهان مقدمه‌ای بر حیات ابدی اوست و نحوه زندگی در آن جهان بستگی به چگونگی زندگی او در این جهان است بنابراین لحظات زندگی انسان ارزش بی‌نهایت پیدا می‌کند زیرا سرنوشت ابدی او را رقم می‌زند. از این رو است که می‌بینیم تمامی پیامبران برای بیداری و تنبّه بشر بیش از هر چیز به مسئله معاد اشاره کرده‌اند و بخش عظیمی از آیه‌های قرآن کریم نیز به این مسئله اختصاص دارد. ویژگی‌های جهان آخرت در قرآن کریم:

الف) متاع دنیا نسبت به آخرت قلیل و ناچیز است.<sup>۵</sup>

ب) حیات حقیقی در جهان آخرت تحقق می‌یابد.<sup>۶</sup>

پ) در جهان آخرت جزای اعمال انسان داده می‌شود.<sup>۷</sup>

ت) در آخرت، اعمال انسان بطور کامل حاضر می‌شوند.<sup>۸</sup>

## ۲-۱-۳- تقوی

یکی از مهمترین ارزش‌های اسلامی که سر منشأ ارزش‌های دیگر می‌باشد، تقوی است که مهمترین ثمره اعتقادهای اسلامی در زمینه خداشناسی و توحید و معاد می‌باشد.

تقوی از وقایه به معنای نگهداری می‌آید و ملکه و حالت معنوی و درونی است که انسان را از زشتی‌ها و آنچه مورد نهی خداوند متعال است، باز می‌دارد. در حقیقت تقوی معادل خودکنترلی می‌باشد. تقوی در معارف اسلامی از اهمیت و ویژگی‌های خاصی برخوردار است و به عنوان عامل رهایی از عذاب آخرت و رسیدن انسان به بهشت و اجر عظیم خداوند، تیسیر امور و خارج شدن از گرفتاری‌ها و بهره‌گیری از علم الهی و محبت خداوند، شرط بهره‌گیری از هدایت قرآن کریم و قبولی اعمال نزد خداوند، معرفی شده است.

## ۲-۱-۴- سعادت و شقاوت انسان بستگی به اعمال اختیاری و آگاهانه او دارد

اسلام در مقابل کسانی که خود را محکوم سرنوشتی می‌دانند که خود تأثیری بر آن ندارند (باصطلاح از لحاظ مکان کنترل، بیرونی هستند) در نهایت، عامل مؤثر بر سعادت و شقاوت انسان را اعمال اختیاری و آگاهانه او می‌داند. از این رو است که در قرآن کریم قبولی و تأثیرگذاری اعمال صالح مشروط به وجود ایمان و تقوی شده است. یعنی شخص، آن اعمال را از روی ایمان و تقوی انجام دهد که شامل هر دو معنی اختیار و آگاهی می‌شود.

## ۲-۱-۵- ارزش و کرامت انسان در اسلام

از دیگر اعتقادهای اسلامی که زمینه‌ساز تحقق خودکنترلی است؛ مسئله ارزش و کرامت انسان است زیرا اگر انسان قدر و منزلت و جایگاه رفیع خود را

بهبتر بشناسد دیگر به امور پست و آلوده شدن به زشتی‌ها رضایت نمی‌دهد و برعکس شخصی که برای خودش ارزش و منزلتی قائل نیست تن به هر ذلتی می‌دهد و چنین شخصی که خود از شر اعمالش در امان نیست؛ بالطبع دیگران نیز از شر او در امان نیستند:

امام هادی(ع): «هرکسی که در نزد خودش پست و بی‌ارزش است پس تو از شر او در امان نباش»<sup>۹</sup> (ابن‌شعبه، ۱۳۸۲، ص ۳۶۲)

امام علی(ع): «هر که شرافت و بزرگواری یافت، خود را از امور پست باز می‌دارد»<sup>۱۰</sup> (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، جلد ۲، ص ۲۰۳)

امام علی(ع): «آنان که کرامت نفس دارند هرگز با ارتکاب گناه آن را پست و موهون نمی‌کنند» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، جلد ۲، ص ۲۱۰)

اسلام برای انسان جایگاهی قائل است که در هیچ مکتب دیگری نظیر آن را نمی‌بینیم. قرآن به انسان گوشزد می‌کند که تو تکریم شده پروردگار عالم هستی و استعداد آن را داری که به مقامی برسی که مسجود ملائکه شوی و در قرب خداوند به جایی برسی که هیچ ملکی را توان آن نباشد:

«و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم»<sup>۱۱</sup> (سوره اسراء، آیه ۷۰)

بعلاوه دین اسلام با معرفی شخصیت‌هایی همچون رسول اکرم(ص)، امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهرا(س) و ائمه معصومین بعنوان جایگاه رفیع و ارزش و کرامت انسان‌ها را نشان می‌دهد و با دعوت انسان‌ها به تبعیت و در حقیقت مثل ایشان شدن، استعداد و مقام وجودی انسان را متذکر می‌شوند و این مسئله بسیار مهمی است و تأثیر زیادی بر شخصیت پیروان هر مکتب و گروهی دارد زیرا الگویی که هر مکتب و نحله‌ای برای انسان معرفی می‌کند در حقیقت نشان دهنده جایگاه و منزلت و ارزش



انسان در نزد آن است و دین اسلام با ارائه نمونه‌های عملی انسان کامل و مقام خلیفه الله برای بشر بیشترین خدمت را به شخصیت انسانی کرده است.

## ۲-۲- تمهیدات عملی در زمینه خودکنترلی

مهمترین عامل مؤثر در اعمال انسان، افکار و اعتقادات اوست از این‌رو است که دین اسلام اهمیت ویژه‌ای به مسئله تفکر و تعقل داده است زیرا آنچه در اسلام معتبر است اعمال اختیاری است که بر پایه شناخت و عقیده صحیح باشد و این شناخت است که نحوه عمل را مشخص می‌سازد در این زمینه تمهیداتی که در اسلام پیش‌بینی شده است را می‌توان بشرح زیر نام برد:

### ۲-۲-۱- لزوم شناخت عقاید اسلامی و ایمان به آن برای هر مسلمان

هر شخص با گفتن شهادتین و پذیرش عقاید و احکام اسلام و یا مانند ما که از پدر و مادر مسلمان زاده شده‌ایم، مسلمان محسوب می‌گردد و در دایره حقوق اسلامی قرار می‌گیرد اما این تنها نقطه آغاز در یک سلوک عقلانی، عرفانی و شخصیتی در جهت شناخت، ایمان و عمل به معارف اسلامی و تکامل معنوی است. از این‌رو است که خداوند در جواب کسانی که مدعی ایمان شدند، به پیامبر خود می‌فرماید که به ایشان بگو که شما اسلام آورده‌اید اما هنوز این اسلام وارد قلوب شما نشده است و به آن ایمان نیاورده‌اید.

از طرف دیگر بر هر مسلمانی واجب است که طالب شناخت دین باشد و در این مسیر گام بردارد. رسول خدا (ص) در این خصوص فرموده‌اند:

«طلب علم بر هر مسلمانی واجب است»<sup>۱۲</sup> (کلینی، جلد ۱، ص ۳۰)

### ۲-۲-۲- قرآن و نقش تذکری آن برای انسان

برخی معتقدند کلمه انسان از ریشه نسیان به معنای فراموشی است. این بیان هر اندازه که صحیح یا غلط باشد اشاره به یکی از ویژگی‌های انسان یعنی فراموشی دارد

که در جای خود لازمه زندگی بشری است اما از طرف دیگر اهمیت تذکر و یادآوری انسان را به مسائلی که لازمه حیات متعالی و هدفدار اوست نشان می‌دهد. از این رو است که خداوند در امر به پیامبر اکرم به تذکر دادن تأکید می‌فرماید و فلسفه نزول آیه‌های متعدّد، متذکر شدن انسان می‌باشد. اهمیت نقش تذکری قرآن به حدی است که خداوند از قرآن کریم تعبیر به ذکر و تذکره کرده است زیرا قرآن کریم سرمایه گران‌سنگ و جاودانی است که زیبایی‌های لفظی و معنوی آن انسان را به خود جذب می‌کند و با محکمترین براهین و شیواترین بیان به تعلیم معارف اسلامی و تذکر ارزش‌های انسانی می‌پردازد.

#### ۲-۲-۳- کلام و سیره معصومین و ارشادات و ادعیه ایشان

علاوه بر قرآن کریم بعنوان ثقل اکبر، پشتوانه گران‌سنگ دیگری که پیامبر اکرم در امت خود به امانت گذاشته است و تمسک به آن را ضامن هدایت و سعادت ابدی ایشان دانسته است، عترت و اهل بیت پیامبر اکرم است<sup>۱</sup> که در قالب احادیث و کلام و سیره ایشان برای ما به یادگار مانده است.

همچنین دعا‌های معصومین (ع) علاوه بر اینکه از بهترین وسایل ارتباط مستقیم با خداوند و اثرات عظیم آن است. در ضمن خود شامل تعلیم معارف اسلامی و تذکر به ارزش‌های اسلامی می‌باشد.

علاوه بر کلام معصومین، سیره عملی ایشان بعنوان الگوی عملی، تأثیر بسزایی در نشر و تبلیغ ارزش‌های اسلامی دارد. زیرا اصولاً دعوت عملی به ارزش‌ها تأثیر بیشتری از دعوت زبانی دارد و کلام و سخن نیز در صورتی که ملازم با عمل شخص (یا گروه) گوینده باشد مؤثر خواهد بود و این عوامل در پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در حدّ اعلی موجود است و تاریخ زندگانی ایشان مملوّ از حکایاتی است که چگونه ایشان با سیره و روش زندگی خود انسان‌ها را دعوت به حق و ارزش‌های الهی

نموده‌اند و حتی کسانی که بواسطه تبلیغات سوء، دشمن ایشان بوده‌اند پس از مشاهده کردار ایشان مجذوب گشته‌اند و هم اکنون نیز پس از گذشت قرن‌ها از تاریخی که مملو از دشمنی حق ستیزان بوده است که سعی در انکار و تحریف فضایل ایشان داشته‌اند؛ آنچه از سیره زندگی ایشان برای ما بر جای مانده است، الهام بخش معارف اسلامی و مبلغ ارزش‌های الهی است.

#### ۲-۲-۴- عبادات اسلامی و نقش آن در ایجاد خودکنترلی

اسلام شامل مجموعه‌ای از عبادات است که بر شخص مسلمانی که به بلوغ عقلی و جسمی رسیده باشد تکلیف می‌گردد که فلسفه آنها همانا یاد خدا و تذکر به اعتقادات اسلامی، تعمیق ایمان و تحقق و تحکیم ارزش‌ها در فرد و جامعه است. ثمره این عبادات در حقیقت ایجاد ملکه تقوا و به عبارت دیگر کنترل درونی و آگاهانه انسان بر اعمال خویشتن است.

#### ۲-۲-۵- هماهنگی هدف‌های فرد و مدیریت در اسلام

در بررسی نظریه‌های رهبری ملاحظه کردیم که با هماهنگی هدف‌های کارکنان و سازمان و مدیریت سعی در ایجاد خودکنترلی در کارکنان شده است از اینرو به اقداماتی نظیر سهیم کردن در سود سازمان، متوسل شده‌اند اما همان‌طور که در بحث سطوح اهداف انسان گفتیم ممکن است این اقدام‌ها باعث هماهنگی در سطوح پایین اهداف خود و سازمان شود اما این اهداف در سطوح بالاتر با هم تفاوت دارند که در شرایطی این تفاوت ممکن است به تضاد تبدیل شود علت آن را نیز باید فلسفه حاکم بر این نظریه‌ها بیابیم زیرا در این فلسفه مهمترین ارزش، منافع شخصی می‌باشد و حتی پرداختن به مسائلی همچون اخلاق، حقوق دیگران... در حقیقت در این راستا می‌باشد. بنابراین این تطابق و هماهنگی نمی‌تواند عمیق و پایدار باشد.

در حالی که در نظام ارزشی اسلام، هدف غایی هر فرد فوق این منافع شخصی است در حقیقت چیزی که برای فرد مسلمان اهمیت دارد اطاعت امر خداوند و بندگی اوست که تنها راه سعادت دنیا و آخرت خود را در آن می‌بیند.

«مرا پرستش کنید، این راه مستقیم است»<sup>۱۳</sup> (سوره یس، آیه ۶۱)

در حقیقت این راهی است که انسان را به قرب الهی و کمال مطلوب می‌رساند و به کسب و کار و سود آوری مادی نیز در این چارچوب نگریده می‌شود و بعنوان جزئی از زندگی بشر و در راستای این هدف اعتبار دارد. این مسئله بسیار مهمی است زیرا انسان، فطرت کمال خواهی نامحدود و سیری ناپذیری دارد حال اگر نظام فکری و فضای ارزشی او کمال را مافوق تکاثر مادی و مقام و شهرت در دنیا نشناسد بالطبع هر فردی در این رقابت قرار می‌گیرد و چون از طرف دیگر منابع دنیا چه از لحاظ ثروت مادی و چه مقام و قدرت محدود می‌باشد، تخالف و تزاخم و اهداف افراد اجتناب ناپذیر می‌باشد. اما در دین اسلام هدفی را که برای انسان معرفی می‌کند خارج از چارچوب تنگ مادی و دنیایی می‌باشد در این حالت نه تنها اهداف افراد با یکدیگر تزاخمی ندارد بلکه در یک راستا و جهت و مؤید هم می‌باشند. در این نظام ارزشی است که خدمت به خلق بعنوان بالاترین ارزش و بزرگترین عبادات در جهت قرب انسان به خداوند مطرح می‌شود و رفع حوائج مادی و معنوی انسان‌ها بعنوان نعمت الهی محسوب می‌شود و مال و ثروت دنیا و قدرت و مقام دنیوی ابتلا و آزمایش الهی می‌باشد و قدرت و مقام تنها در صورت خدمت به خلق و احقاق حق، اعتبار دارد.

بنابراین با توجه به اینکه اهداف سازمانی (سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی تا سازمان حکومتی) نیز در جامعه اسلامی باید لزوماً در جهت اهداف اسلامی و مطابق نظام ارزشی اسلام باشد، هماهنگی اهداف کارکنان، مدیریت و سازمان در بالاترین سطح ایجاد می‌شود.

## نتیجه گیری

نظام ارزشی اسلام با تبیین نظارت الهی با ویژگی‌های ممتاز خود که تمامی ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد، با در نظر گرفتن زندگی ابدی برای انسان که جزای کامل اعمال انسان را امکانپذیر می‌سازد، با بیان تقوا و آثار آن بعنوان مهمترین عامل سعادت انسان، با تکریم انسان و اختیار و آگاهی او زمینه تحقق خودکنترلی در عالی‌ترین سطح در انسان را فراهم می‌سازد و از طرف دیگر تمهیدات عملی برای تذکر و گرایش به این ارزش‌ها و تحقق آثار آن (از جمله خودکنترلی) در دین اسلام ارائه شده است. البته تحقق این خودکنترلی در سطح سازمان و در جهت اهداف سازمانی منوط به هماهنگی اهداف سازمان با نظام ارزشی اسلام می‌باشد که این موضوع در جامعه اسلامی مفروض در نظر گرفته شده است.

## پی‌نوشت‌ها:

## 1- Management by objectives

- ۲- «وكان الله على كل شيء رقيباً» (سوره نساء، آیه ۱) و نیز ر.ک. (سوره احزاب، آیه ۵۲)، (سوره بقره، آیه ۹۶)، (سوره بقره، آیه ۱۱۰) و....
- ۳- «ولله ملك السموات والأرض وما فيهنّ و هو على كل شيء قدير» (سوره مائده، آیه ۱۲۰) و نیز ر.ک. (سوره تغابن، آیه ۱)، (سوره مائده، آیه ۱۷).
- ۴- «إن الله بالناس لرئوف رحيم» (سوره بقره، آیه ۱۴۳)، «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها و من جاء بالسّيئة فلا يجزي إلاّ مثلها و هم لا يظلمون» (سوره انعام، آیه ۱۶۰).
- ۵- «قل متاع الدنيا قليل و الآخرة خير لمن اتقى».
- ۶- «وما هذه الحياة الدنيا إلاّ لهو و لعب و إن الدار الآخرة لهي الحيوان لو كانوا يعلمون» (سوره عنكبوت، آیه ۶۴).

- ۷- «إنه يبدأ الخلق ثم يعيده ليجزي الذين آمنوا و عملوا الصالحات بالقسط و الذين كفروا لهم شراب من حميم و عذاب أليم» (سورة يونس، آيه ۴).
- ۸- «يوم تجد كل نفس ما عملت من خير محضرا و ما عملت من سوء» (سورة آل عمران، آيه ۳۰).
- ۹- «من هانت عليه نفسه فلا تأمن شره».
- ۱۰- «من كرمت عليه نفسه لم يهنها بالمعصية».
- ۱۱- «ولقد كرّمنا بني آدم و حملناهم في البرّ و البحر و رزقناهم من الطيبات و فضلناهم على كثير ممّن خلقنا تفضيلا».
- ۱۲- «طلب العلم فريضة على كل مسلم».
- ۱۳- «أن اعبدوني هذا صراط مستقيم».

#### منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی، قرن ۴ق (۱۳۸۲)، تحف العقول عن ال الرسول صلی الله علیه و آله. قم: ذوی القربی.
۳. الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۹)، مدیریت عمومی، تهران: انتشارات نی، چاپ چهاردهم.
۴. ایران نژاد پاریزی، مهدی (۱۳۷۸)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه و شرح جمال الدین محمد خوانساری، تهران: دانشگاه تهران، ج ۲.
۶. صادقیپور، ابوالفضل (۱۳۵۳)، نظریه جدید سازمان، مدیریت و علم مدیریت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب [بی تا]، اصول کافی، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.